

ایران و احتمال غافلگیری استراتژیک

دکتر احد رضایان قیه باشی، آینده پژوه

اندیشکده روابط بین الملل: جنگ بخش قابل توجهی از تاریخ جهان را به خود اختصاص داده است. تا قبل از جنگ های جهانی اول و دوم، جنگ جایگاه ویژه ای در سیاست، اقتصاد و اجتماع داشت.

در ادبیات جهان مفهوم جنگ با مفاهیمی همچون: اسطوره، مبارزه، قهرمان، رشادت، شجاعت، فداکاری و غیره عجین شده بود.

در رم و یونان باستان همواره "خدایان جنگ" حضور چشمگیری در تحولات جهان دارند. یکی از ویژگی های بارز و محبوب زئوس، جنگاوری و روحیه مبارزه است.

در ادبیات کهن ایران زمین نیز اسطوره ها همواره از دل جنگ ها برآمده و در ناخودآگاه مردم جای گرفته اند. مهمترین هنر رستم، هنر جنگ و رزم است. اسفندیار و سهراب از آن جهت که مرد جنگ و کارزار هستند ارزشمندند.

در ادبیات دینی هم، قهرمانان جنگی جایگاه مهمتر و ارزشمندتری دارند. شهرت "حمزه" عموی پیامبر بخاطر هنر جنگ و جنگاوری است. امیر مومنان، مالک اشتر، ابوالفضل العباس و غیره همگی اسطوره هایی هستند که یا مهمترین ویژگیشان جنگاوری است و یا یکی از مهمترین هنرشان است.

ادبیات حماسی در جهان با مفهوم جنگ شناخته میشود.

در ادبیات و تاریخ جهان جنگ صحنه رویارویی خیر و شر است. جنگ میدانی برای اثبات حقانیت است. جنگ فرصتی برای از بین بردن بدی هاست. جنگ نعمتی از سوی خدایان است. جنگ فرصتی برای ساختن و شناختن اسطوره ها است. فرصتی برای بازتوزیع مجدد ثروت و قدرت، فرصتی برای برقراری عدالت است.

چه بسا مشهورترین افراد در تاریخ جهان که سهم ویژه ای در تغییرات جهان داشتند از طریق جنگ توانستند چنین تاثیرگذاری داشته باشند افرادی همچون: اسکندر مقدونی، آتیلان خان، تیمور لنگ، چنگیز خان، ناپلئون بناپارت و هیتلر جزو مطرح ترین ها هستند.

مفهوم جنگ در روانشناسی هم مورد توجه است. نظریه هایی که تلاش میکنند تا میل به جنگ را تبیین روانشناختی کنند.

واقع گرایان در سیاست و اقتصاد هم از جنگ به عنوان ابزاری برای تغییر وضع موجود اسم می برند. هابز، ماکیاولی و حتی مارکس توجیه علمی برای ضرورت جنگ و برخورد دارند.

جنگ نه تنها تاریخ را فرا گرفته است بلکه سهم ویژه ای در تصاویر آخرالزمانی و ساخت آینده دارد. هم در نزد ادیان آسمانی و هم فرقه ها و ایدئولوژی های غیر دینی جنگ و برخورد سهم قابل توجهی دارد.

تمامی این مطالب نشان می دهد که "مفهوم جنگ" در ناخودآگاه انسان جایگاه ویژه ای دارد.

میل به جنگ به لحاظ روانی و همچنین تبیین سیاسی، اقتصادی و جامعه شناختی آن باعث عجز شدن آن با زندگی بشری شده است.

در جنگ جهانی اول و دوم خسارت های ناشی از جنگ باعث شد تا جنگ به عنوان پدیده ای شوم معرفی شود و تلاش شود تا تصویر زشتی از آن در اذهان عمومی ایجاد شود.

حتی در متن منشور سازمان ملل متحد واژه جنگ را بکار نبردند و این واژه را از ادبیات منشور حذف کردند.

جنگ های صلیبی و جنگ های 30 ساله مذهبی نقطه عطفی در بازاندیشی ملت ها در مفهوم و فلسفه جنگ داشت و در نهایت جنگ های جهانی اول و دوم ضرورت تغییر رویکرد و تغییر فلسفی این مفهوم را آشکار کرد.

فضای سنگینی که پس از جنگ جهانی دوم علیه "جنگ" به وجود آمد باعث شد تا صفت جنگ طلب با انزوا همراه شود به این صورت که اگر شخصی یا کشوری متهم به جنگ طلبی میشد در نزد افکار عمومی جهان منزوی شده و کشورها تلاش میکردند تا روابطشان را با این شخص یا کشور محدود کنند.

کشوری مثل ایالات متحده آمریکا در نیم قرن گذشته با تکیه بر فناوری های گسترده رسانه ای توانسته است از این موضوع و مسئله برای انزوای مخالفین خود استفاده کنند.

با اینکه نیروهای ایالات متحده آمریکا در حال حاضر در بیش از 19 نقطه جهان در حال جنگ و یا در وضعیت جنگی قرار دارند اما این کشور توانسته است همچنان از زشت بودن جنگ علیه رقبا و مخالفین خود استفاده کند.

جنگ در حال حاضر امری استثنا و همواره آخرین گزینه برای حل و فصل اختلافات است

استثنا بودن جنگ بعلاوه تصویر زشتی که از آن در جهان ایجاد شده همراه با پیامدهای ویرانگر و مخرب آن باعث شده است تا به مرور در ذهن رهبران جهان امکان رخ دادن آن کمتر و کمتر شود. حتی در ذهن برخی رهبران جهان، تصور اینکه روزی کشورشان درگیر جنگ شود به امری محال تبدیل شده است.

محال شدن جنگ باعث شده است تا سطح و میزان آمادگی کشورها برای مواجهه با این پدیده به شدت کاهش یابد. نداشتن آمادگی، امکان غافلگیری را به شدت افزایش می دهد و رقابایی همچون ایالات متحده به این موضوع کاملا واقفند.

به رغم تبلیغی که در 40 سال گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران شده است و آمریکا و اسرائیل تلاش کردند تا ایران را کشوری جنگ طلب نشان دهند اما واقعیت این است امکان وقوع جنگ در ذهن رهبران ایرانی به شدت پایین است. و این پایین بودن امکان غافلگیری را افزایش داده است.

چند توصیه آینده پژوهانه و راهبردی در مورد جنگ:

1. بسیاری از اسطوره های ما ایرانی ها که در ناخودآگاه ما حضور داشته و بر رفتارهای آینده ما اثر می گذارند اسطوره های جنگی هستند که تنها هنرشان جنگاوری بوده است پس مردم ما مستعد جنگ هستند.

2. جنگ نه تنها غیرمحمتمل نیست بلکه در شرایط ویژه، احتمال وقوع آن بسیار زیاد است. مدیران و فرماندهان هر لحظه باید برای جنگی واقعی و گسترده آماده باشند.

3. این ذهنیت که جنگ می تواند سراسر ویرانی و بدبختی به بارآورد مانع از اندیشیدن به سناریوهای مختلف جنگی و پیامدهای آن میشود و ذهن را از اندیشیدن به پیامدهای مثبت باز میدارد. جنگ فقط تهدید نیست می تواند فرصت هم باشد.

4. ضرورت دارد تا سناریوهای مختلف جنگ و پیامدهای متنوع آن از سوی پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرد.

5. مذموم بودن جنگ در ادبیات جهان بیشتر ابزاری است. از این روی مردم ما باید نسبت به این واقعیت واقف باشند.

6. به نظر می رسد تحمل پیامدهای جنگ آسانتر از تحمل پیامدهای گسترش فساد اقتصادی باشد.

7. جنگ به عنوان یک سناریوی هنجاری همواره باید جزو گزینه های روز میز باشد.

8. جنگ باید از حالت رخدادی شگفتی ساز خارج شود تا دامنه پیامدها و میزان غافلگیری آن کاهش یابد.

9. درک علائم و نشانک های ضعیف جنگ، امری به غایت پیچیده است که نیازمند سامانه ای سیاسی، اقتصادی، فلسفی، نظامی، اجتماعی و روانشناختی است. پایش دائمی جنگ باید همه جانبه باشد تا فرصت های قبل از جنگ به درستی شناسایی شوند.

10. ضرورت دارد مرکزی غیرنظامی با حضور افرادی با تخصص های مختلف جهت مطالعه سناریوها و پیامدهای جنگ تشکیل شود.

11. کشورهایی که برای جنگ آمادگی ندارند در صورت وقوع جنگ آسیب بیشتری می بینند.

12. آمادگی برای جنگ می تواند سناریوهای پیش روی مذاکره را افزایش دهد و هر سناریوی جدید می تواند فرصت بی بدیلی خلق کند.